

دوستی با اهل کتاب!

برای شناخت، محبت و احترام مسلمانان در دوستی شان با اهل کتاب اگر به گذشته های دور برگردیم، دیده میشود که مشکلات مسلمانان در زمان حضرت پیغمبرص، بیشتر مشرکین یعنی قوم (قریش) بوده که در قرآن به آن اشاره گردیده است، نه اهل کتاب. متأسفانه امروز یکعه از مردم آگاهانه یا نا آگاهانه روی بعضی از (حساسیت) ها آیات را که در مورد مشرکین آمده است، آنرا به اهل کتاب نسبت میدهند، آنها را مشرک میدانند اشاره به اینکه یهودیها عزیز پیغمبر را پسر خدا میگفتند و عیسویها عیسی پیغمبر را..

درینصورت اگر ذبح گوشت حیوان به دست اهل کتاب صورت گرفته باشد آنرا حلال نمیدانند. ((جمع از دوستان را یک فامیل افغان دعوت نموده بود، و در ضمن از همسایه غربی خود که به فرهنگ افغانی علاقه زیاد داشت نیز از وی دعوت بعمل آورد. البته خانم همسایه (غربی) از روی اخلاص غذای را با خود آورده بود.. در موقع صرف غذا چند نفر در جمع از مهمانان باهم گوش بگوش شده از غذا خانم عیسوی همدیگر را مطلع ساختند، بعضی ها که نا دانسته مقداری گرفته بودند، با کراهیت تمام از آن اجتناب و به گوشه بشقاب همچنان باقی گذاشتند.

بعد از ختم محفل خانم همسایه خواست در پاک کاری ظروف با دوست خود کمک نماید متوجه میگردد که مهمانان به غذا پخت دست وی چندان علاقه نگرفته بودند. خانم مهماندار با زیرکی و هوشیاری تمام برایش گفت: بعضی مردم ما که در پاکستان و هندستان مدت بیشتری زندگی کرده اند، به مرچ و مساله زیاد عادت دارند، غذا که به مزه دهن شان برابر نباشد روی ظرف رها میکنند، ولیکن همه مردم چنین نیستند.))

- خداوند تعالی مسلمانان را به دوستی با اهل کتاب دعوت نموده است، چنانکه میفرماید تا در موقع صحبت با اهل کتاب با نرمش سخن گفته سؤال و جواب کنید تا خاطر همدیگر را آزرده نسازید.

- دلیل دیگر که دوستی اهل کتاب و مسلمانان را ثابت میسازد، هجرت رسول خدا به مدینه میباشد، چنانکه یهودیان مدینه مانند دیگران به شمول مهاجرین و انصار بی صبرانه انتظار ورود آنحضرت را داشتند، و اولین کسیکه خبر تشریف آوری رسول خدا را به مردم مدینه رسانید یکی از بزرگان یهودی بود. همچنان پادشاه حبشه که خودش عیسوی مذهب بود، گروهی از مسلمانان که به آنجا هجرت نموده بودند، با وجود فشار های مشرکین (قریش) از آنها با گرمی استقبال نمود، تا با امن زندگانی شانرا در حبشه به خوشی و آرامی سپری نمایند.

در یکی از جنگها میان مردم بی دفاع فلسطینی و عساکر اسرائیلی، گلوله از سوی مقابل به جان پسر دوازده ساله فلسطینی اصابت نمود و در کنار پدرش به شهادت رسید. پدر پسر بدون در نظر داشت اوضاع سیاسی، درگیریهای جنگ و عقاید دینی (یهود و مسلمان) بجای انتقام گیری و نفرت، حتی حاضر گردید تا گرده پسر از دست رفته خود را برای نجات دختر اسرائیلی که در انتظار پیوند گرده لحظه شماری میکرد با اخلاص تمام بدهد. همچنان تعداد چند از عساکر اسرائیلی در اعتراض علیه جنگ وظایف شانرا ترک گفتند و هزاران نفر از طرفداران صلح و قطع جنگ برای مشاهده دور هم جمع شده بودند.

خداوند تعالی در هر امری نیات قلبی بندگان خود را می بیند و آنها را در امتحان بزرگ قرار داده، جزا عمل هر انسان را برایش میدهد.

خداوند میفرماید: با زنان اهل کتاب ازدواج کنید، وهم غذای شانرا بریکدیگر حلال ساخته است. .. از این آیات برمیآید که مسلمانان قبل از مشرف شدن به اسلام با اهل کتاب ازدواج نمیکردند و غذا آنها را نمیخوردند. چون اکثراً از قوم عرب و قبلا از جمله مشرکین بودند، نسبت اینکه خود را بر دیگران برتری میدادند، حساسیت ها در میان شان وجود داشت. از یکطرف تمامی اقوام شان به اسلام مشرف نبودند و از جانب دیگر تمایل ازدواج بطرف قوم خود بیشتر داشتند و ترک رسوم برایشان مشکل تمام میشد.

خداوند تعالی: (ازدواج با مشرک و مشرکه را مشروط به قبول اسلام دانسته، و میفرماید حتی اگر حسن و جمال آنها شما را فریفته هم ساخته باشد.)

بعضی مردم این آیت را در برابر اهل کتاب نیز مورد اجرا میدانند، یعنی زن و مرد مسلمان در صورت با اهل کتاب ازدواج کرده میتوانند که آنها را به اسلام دعوت نموده مسلمان بسازند، و یا صرف ازدواج مرد با زن اهل کتاب را مجاز دانسته هر چند به دین خودش باقی بماند.

در اینجا مطلب قابل توجه اینست که: هیچ قوم و مذهب حاضر نخواهد شد تا زن (دختر) شانرا به قوم و مذهب بدهند که خود اجازه وصلت با آنها را نداشته باشند، مگر در صورتیکه ضعیف و مظلوم واقع شده باشند.

اسلام که دین عدالت و مساوات است، هیچگونه تعصب و ظلم را نمی پذیرد. خداوند تعالی به بندگانش عقل شریف عنایت فرموده تا در تعبیرات و تفاسیر مرتکب اشتباه و گناه نشوند. قوانین مدنی امروزی بیشتر اساس آن از کتب آسمانی گرفته شده است، تا توازن عدالت در میان مردم برقرار شده بتواند.

در کشور آمریکا که حکومت قانون بوده و عدالت اجتماعی پا برجاست. هرگاه فرمان صادر گردد که: (مرد سفید پوست میتواند با زن سیاه پوست ازدواج نماید ولیکن مرد سیاه پوست حق ازدواج با زن سفید پوست را ندارد.)

در اینجاست که صدای مردم بلند شده و آنرا فرمان غیرمنصفانه میخوانند، مگر در صورتیکه عدالت اجتماعی نادیده گرفته شده باشد و یا اینکه محرومیت ها و مشکلات محیط زیست چنین مجبوریت ها را بار آورده باشد. چنانکه قرنهای پیش از سیاه پوستان زن میگرفتند، اما زن به آنها نمیدادند و زنان مظلوم را نه به حساب زن خود، بلکه کنیزان از آنها بهره برداری میکردند.

به همین ترتیب در کشور ما افغانستان مردان با نفوذ از نظر قومیت، شهرت و قدرت که داشتند از دیگر اقوام زن گرفته میتوانستند اما زنان (دختران) خود را به ازدواج آنها نمیدادند و یا در مورد (شیعه و سنی) همینطور بعضا حساسیت ها وجود داشته و دارد که ازدواجها و پیوند ها (تسکیل فامیلی) را در میان آنها کمرنگ ساخته است.

کتب آسمانی روابط حسنه، محبت و دوستی را در میان انسانها بهتر گردانید. وقتیکه ازدواج و تشکیل خانواده بدون تبعیض، با اخلاص و حسن نیت (خدا دوستی) صورت گرفته باشد، حساسیت های قومی مذهبی، سفید و سیاه، همچنان تبعیض جنسیت (زن و مرد) خود بخود از میان میرود و خانواده ها در کنار هم خوشبخت و سعادتمند زندگانی میکنند.

خداوند تعالی میفرماید: هیچکدام از شما بر دیگری تان برتری ندارید به جز تقوی. که این خود همه چیز را بما روشن میسازد. پروردگار عالم به اعمال ما آگاه بوده همه چیز به حکمتش تعلق میگیرد.

در جای دیگر از دوستی با اهل کتاب مسلمانان را منع فرموده، که آنها را دوست خود قرار ندهید.. بعضی از مسلمانان به اساس آن حتی ازدواج با اهل کتاب را نیز محکوم میکنند. چنین بر میآید که در آلمان بعضی از یهود و نصاری در میان خود هم پیمان شده، خواستند تا راز (جنگ) مسلمانان را به اهل مکه (قریش) برسانند در حالیکه با مسلمانان عهد بسته بودند تا در امور شان دخالت نداشته باشند. خداوند تعالی که طرفدار حق بود، مسلمانان را خبر داد تا آنها را دوست خود حساب نکرده، راز شانرا با آنها در میان نگذارند..

سیاست های دولتمندان امروز، نتنها بغض و کینه را در میان مسلمانان و اهل کتاب بیشتر گردانیده است، بلکه مسلمانان را نیز در برابر هم بی تفاوت، بدبین و ظالم قرار داده است.

در کشور نایجریا، گروهی از مسلمانان تعداد کثیری از مردم عیسوی بشمول (زنان و اطفال) را به قتل رسانیدند. همچنان در بغلان و چند نواحی دیگر گروه های اسلامی با همدیگر خود درگیر جنگ شده تعداد زیاد از مسلمانان به قتل رسیدند. دریغ و افسوس که بنام اسلام میجنگند و فراموش نمودند که خداوند تعالی میفرماید:

(در موقع جنگ از شتاب کار نگرفته آنها را به قتل نرسانید که مبادا در جمع شان یک مسلمان باشد.)

از این آیت معلوم میشود که در آنوقت اولاً جنگ مسلمان با مسلمان نبود، بلکه با مشرکین و کفار بوده است و خداوند برای حفظ جان یک (مسلمان) هوشدار میدهد تا مبادا در اثر غفلت به چنین عمل دست بزنید.

در حالیکه امروز همدین خود (انسان) را مانند (حیوان) سر میبرند.

در آیت دیگر خداوند از احوال یهودیان خبر میدهد که آنها نصف آیت را تطبیق و نصف دیگرش را اجرا نمیکردند، یعنی به آنها فهمانده شده بود تا در موقع جنگ اسیران را به قتل نرسانید و مردم را از خانه هایشان بیرون نسازید.

یهودیان اسیران را به قتل نمی رسانیدند، یعنی به امر خداوند پابند بودند، اما مردم را از خانه هایشان اخراج مینمودند. این خبر در قرآن به مسلمانان رسید، تا شما از جمله غافلان نباشید و مرتکب چنین گناه نگردید.

(در زمان ورود طالبان به شمالی و بعضی نقاط دیگر مردان اسیر را در محضر عام به قتل رسانیده یعنی با کارد سر از تن شان جدا مینمودند. زنان، اطفال و پیر مردان را از منازل شان کشیده روانه فاصله های دور میساختند، باآنها اکتفا نموده خرمن ها را به آتش، و حاصلات باغات را از بین میبردند. افسوس که تا به امروز یکبار هم اعتراف به گناه و ندامت در برابر خلق خدا نکرده اند.)

قبل از تشکیل سرزمین بنام (اسرائیل) یهودیان خود در اثر جنگها از مناطق شان بیجا شده بودند، اکثراً برای حفظ جان و ناموس خویش به کشور های اسلامی پناهنده گردیدند تا از شر دشمن در امان بمانند، ولیکن امروز سیاست در سراسر جهان چنان تغییر پیدا نموده که میان دوست و دشمن حقیقی (اهل کتاب) تشخیص را مشکل ساخته است.

ژورنالیست غربی با یک عسکر اسرائیلی که در حال از بین بردن درختان زیتون باغ فلسطینی بود، مصاحبه ایرا انجام و از وی پرسید: آیا خود را در برابر این عمل نزد خداوند گنهگار نمی بینید..؟

عسکر اسرائیلی در جواب گفت: من از اینکار خود خجالت کشیده و احساس گناه میکنم، اما چه کنم که سیاست این حکم را بالای ما اجرا میسازد. خداوند تعالی در برابر بندگان محبت زیاد داشته و دارد، برای اینکه از عذاب جهنم آنها را دور داشته باشد از احوال اشخاصیکه از روی خود خواهی و نادانی دست به قتل نفس و اعمال ضد دین حق زده، یعنی چیزیکه آنها در گذشته انجام و خود را در گناه آغشته ساخته بودند، مسلمانان را باخیر میسازد، تا با دسترسی به این کتاب مکمل (قران) که تصدیق کننده دیگر کتب آسمانی میباشد پروردگار عالم را همیشه به بزرگی یاد نموده از عذاب روز قیامت خوف داشته که هیچکس از آنروز منکرشده نمیتواند.

به امید توفیق

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ